

خیلواکی



استقلال

www.esteqalaal.net

۲۸ جون، ۲۰۲۴

فوزیه عباس اعتمادی

زنان افغانستان در گذرگاه زمان تحقیق مصور از عصر سنگ تا امروز



پیشگفتار:

با نگاهی به گذشته های دور در زندگانی بشر در می یابیم که زنان در اکثر جوامع بشری از دوره مغاره نشینی تا دوره زراعتی ، نقش ارزنده ای داشته اند.

در هنگام نگارش این فصل روزی کتاب *رهنمای تاریخی افغانستان* اثر نرسی دوپری تاریخنگار امریکایی را میخواندم و در حین مطالعه نظرم را موضوع موجودیت انسانهای اولیه در افغانستان بخود جلب کرد. برایم تعجب آور بود که

انسانهایی در حدود صد هزار سال پیش در دشت ناور غزنی زندگی میکرده اند. با شوق زیاد این بحث را دنبال کردم و از تحقیقات علمی در ساحة باستان شناسی و انتروپالوجی (انسان شناسی) دریافت نمودم که فعالیت های زنان بخصوص پس از دوره کشف آتش در پهلوی مردان در حیات اجتماعی این دوره طولانی دارای اهمیت زیادی بوده است.

در مورد زندگی بشر اولیه به جستجوی بیشتر پرداختم و متوجه شدم ، با آنکه در دهه شصت و هفتاد اکثر دانشمندان فکری کردند که انسانهای پیش از تاریخ وحشیانی نیزه به دست و جنگجویی پیش نبوده و زنان آندوره اسیر و زیر دست مردان بوده است ، اما تحقیقات سالهای اخیر ثابت میسازد ، که انسان های مربوط به جوامع اولیه در حقیقت مردمان بسیار ذکی و هوشمندی بوده که توانسته اند در مشکل ترین شرایط زندگی کنند و قادر به ادامه حیات با تمام محدودیت های آن عصر باشند. مطالعه آثار و شواهد این دوره نشان میدهد که جوامع اولیه انسانی به اساس اشتراک زن و مرد درپیشبرد زندگانی اجتماعی استوار بوده است. در دوره های باستانی زنان و مردان در پهلوی همدیگر و در کنار هم امور زندگانی را مشترکانه به پیش می برده اند. حتی در دوره زراعتی زنان نقش مهمتری را نسبت به مردان در زندگی روزمره ایفا می کرده اند.^۱

فصل اول

نگاهی به موقف اجتماعی زنان

در دوره های پیش از تاریخ و تمدن آریانا

مانند تمام جوامع قدیم انسانی در کشور مانیز شرایط مشابهی وجود داشت. آثار انسانهای اولیه در افغانستان از بدخشان، قره کمر در ولایت سمنگان ، تپه گنجشکان در ولایت تخار، گریوان در فاریاب، لغمان و نورستان و آق کوپروک بلخ کشف گردیده است. در موزیم ملی افغانستان از آغاز دوره زراعتی شواهد زیادی بجا مانده که قدمت آن به ۸ تا ۱۰ هزار سال پیش از میلاد میرسد و این شواهد ما را به شیوه زندگانی این مردمان آشنا میسازد.^۲



^۱ Early Humans a collection of resources for students from the Courtenay Middle School Library

آثار دوره زراعتی از حوزه های فرهنگی باختر و هیلمند
در حدود ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال پیش از امروز

اگر نظری به فعالیت انسانهای عصرسنگ بیاندازیم، متوجه میشویم که زنان در دوره مغاره نشینی به فعالیت های بیشتری مشغول بوده اند. به عقیده باستان شناسان اکثر ظروف کلاسی مانند کاسه ها و دیگ های گلی بدست زنان ساخته میشد. چون در آن نقشهای دیده میشود که تا هنوز در طرح گلیم ها و نمدهای ساخت زنان در قریه ها و دهات افغانستان بچشم میخورد و همچنان در ظروف سفالی ای که توسط زنان ساخته میشود نمایان است. از طرف دیگر پیکره های الهه مادر مربوط به عصر سنگ که از نقاط مختلف کشور ما بدست آمده این حقیقت را به شکل واضح تائید مینماید.

بنا بر یافته های انسان شناسان گمان میرود که در دوره کشف آتش نقش زنان در پیشبرد امور زندگی، نسبت به گذشته ها بیشتر گردیده است. زیرا درین دوره مردان اکثراً مشغول شکار و یا جنگ بوده و زنان در داخل مغاره ها به تربیت اطفال، پخت و پز و رسیدن پشم حیوانات مصروف بوده و ازین سبب زنان از موقف اجتماعی بهتری برخوردار گشته اند.^۳



تصویر خیالی زنان در دوره مغاره نشینی و کشف آتش به اساس نظریات دانشمندان

از تحقیقات لوئیس دوپری و الکساندر مارشاک دانشمندان امریکایی معلوم میشود که قدیمی ترین کشتزار جو و گندم در شمال افغانستان در کنار دریای کوچکه، رود آمو و معاونین آن قرار داشته و زنان با اطفال شان در پهلو مردان در کار زراعت و مالداري و تهیه غذا مصروف بوده اند. درعین زمان فرهنگ زراعتی مشابهی درحوزه جنوبغرب افغانستان در کنار رود های هلمند و ارغنداب در مرحله ارتقا یافته ای قرار داشته است. مجسمه های زنان و مردان دهقان مربوط این دوره که از مندیکگ قندهار کشف شده این نظر را ثابت میسازد.

ننسی دوپری دراین رابطه چنین مینگارد:

"در اوایل دهکده های زراعتی در افغانستان در حدود ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد، یا ۷۰۰۰ سال پیش در منطقه قندهار به وجود آمدند. تپه دهمراسی، نخستین مکان ماقبل تاریخ افغانستان است که تاکنون حفر شده است و در ۲۷ کیلومتری جنوب غربی قندهار قرار دارد. همزمان با این دوره در «سعید قلعه» خانه های نشمین دهقانان با ساختمان های خشتی و گلی چند اتاقه اعمار شده است. همچنان آثار مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد، مانند تپله های اسپ و مهرهای سنگی، سفالی و فلزی در مکان مجاور به نام شمشیر غار پیدا شد!"^۴

^۳ Neumann, Erich (۱۹۹۱). The Great Mother, Bollingen; Repr/۷th edition. Princeton University Press, Princeton, NJ

^۴ Nancy Dupree "A Historical Guid to Afghanistan" P. ۲۲-۲۴, Kabul ۱۹۷۷.

پیکره الهه مادر که در موزیم ملی افغانستان حفظ است، همراه با یکتعداد زیورات بسیار قدیمی، مربوط به خانم های صاحب نفوذ و ثروتمند این دوره، نقش مهم زنان را از قندهار تا زرنج بازگو مینماید. گمان میرود که در این دوره مفکوره زن وزمین منحیث منابع تولید به میان آمده و زنان در همین عصر مظهررفاه و آسایش گردیده اند. ازینجهت اعتقاد به زمین و مادر منحیث دو عنصر مقدس اساس مذاهب کهن را بنا نهاد. نظر به یافته های علمی اکثر دانشمندان به این عقیده اند که این عصر را میتوان دوره مادرسلاری خواند.



پیکره الهه مادر

اهمیت زنان در عصر تمدن ویدی و اوستایی:

در دوره تمدن آریانای باستان از حوزه فرهنگی آمو و مرغاب مجسمه های نهایت ظریف زنان کشف شده که شیوه زندگی متمدن و با فرهنگ آندوره را نمایان میسازد. همچنان مجسمه های الهه مادر از جنوب قندهار نشان دهنده اهمیت زنان در اعصار کهن می باشد. شاید به همین جهت در دوره تمدن آریانا نقش زنان هم در سرود های ویدی ، خصوصاً در کتاب ریگویدا Rigveda و هم در سرودهای گاتها در کتاب اوستا دیده میشود.

نظر به تحقیقات مایکل ویتزل مؤرخ و زبان شناس معروف آلمان ، اکثر گویندگان نیایش های ریگویدا زنان بوده اند که در اینجا چند نمونه از سروده های کوتاه این زنان شاعر را مینگاریم:

سروده های از کتاب ریگویدا

گوینده: زنی بنام لویه مدورا:

از دامنه کوه های مهربان و پر برف
دو اسپ مادیان تازنده
باسمهای بلورین در تک وتازند
و دو گاو مادر روشن
که گوساله هایشان را به دنبال دارند
آب ها را با شتاب به پایین می آورند.^o

نیایش زنی بنام اودها:

ای ایزدان ، ما در هیچ کاری شکست نمی خوریم ،
و نمی خواهیم چیزی را پنهان کنیم ،
درحالیکه می خواهیم مشوره شما را دنبال کنیم،
اما درینجا به پهلوی همد یگر
به همت شانه های توانای خویش ایستاده ایم.

^o Michael Witzel, On the Localization of Vedic Texts and Schools (Materials on Vedic Sakhas
Harvard University Press

سروده ۱۱۷ از جلد اول ریگویدا گوینده: شهزاده خانم گهوچه

ای ستاره گان صبح که گردونه شما تندرو تر از خیال است و اسپان دلیر و تند آنرا میکشند بسوی مردمان میشتابد تا منزلگه پاکان را جستجو کند.
کجا میروید ای دلاوران و پهلوانان؟ اینجا به قرارگاه ماه بیابید.
شما ای اربابان کارنامه های شگفت! نیام بیرون آوردید تا مالک پیروزی وشکوه گردد
آنانیکه مانند زرنای مدفون باشد و چون کسیکه در سینه تباهی و فنا خسپیده ، یا مانند آفتابیکه در حجله ظلمت خوابیده باشد.

ای اربابان کارنامه بزرگ زمین ها را شیار زدید و جو کاشتید ، برای آدمی شیر و غذا دادید. دشمنان را با کرنای تان بدور افگندید و به آریه روشنی و درخشنگی بخشیدید
ای ستارگان صبح ای ناستیه ها ، ای بزرگان من به نیازهای من به دیده مهر بنگرید و به کودکانم توانگری بخشید!

ای خداوندان نیرو دعای من زمانی به شما گفته خواهد شد
که فرزندان دلیر و شجاع من در کنار من ایستاده باشند.
من به سوما خطاب میکنم که از همه به من نزدیکتر است .
جای او در روان ماست.

ازو میخواهم که گناهانم را یکسره عفو کند.^۶

به گمان اغلب درین عصر مدنیت شهری آغاز گردیده بود. زیرا نام **بلهیکا** یا بلخ قدیم درین سرودها ذکر یافته است. این تمدن شهری (مصادف به عصر کشف فلزات) در حدود چهارونیم تا پنج هزار سال پیش از امروز، از بلخ تا کابل و **مس عینک** در لوگر و از آنجا تا قندهار و شمال نیم قاره هند گسترش داشت.

قرار تحقیقات مرحوم احمدعلی کهزاد مؤرخ بزرگ افغانستان درین دوره خانواده های زیادی بخاطر کثرت نفوس بسوی هند هجرت نمودند و این سرودهای شفاهی را با خود به سرزمین هند بردند. سرودها ی این مردمان در مورد اجداد ، نام شاهان، اعتقادات، نیایشها ، اسم شهرها ، دریاها و کوه ها بود که انتقال عقاید و حفظ فرهنگ آنانرا برای فرزندانسان به ارمغان داشت. این نیایشها در سرزمین هند به زبان سانسکریت به قید قلم درآمد و بنام «سرودهای ویدی» یاد شد که زنان در حفظ و انتقال آن نقش مهمی داشتند.^۷

پس از دوره تمدن ویدی تمدن **اوستایی** ظهور کرد. زردشت مرد متفکر بلخ که اسم پدرش **پورشاسب** و نام مادرش **دوغده** بود کتاب اوستا را برای پرستش **اهورا مزدا** خدای یگانه، قانونمندی جامعه و دوری از **اهریمن** (شیطان بدکنش) نوشت و آنرا به **ویشناسب** شاه بلخ هدیه داد که بالای سه اصل **پندار نیک** ، **گفتار نیک** و **کردار نیک** استوار بود. در دین اوستایی نقش زنان بسیار بارز بود.

مجسمه های کوچک زنان باختری در حدود چهار هزار و پنجصد سال پیش این رسم پسندیده را بیان میکنند.

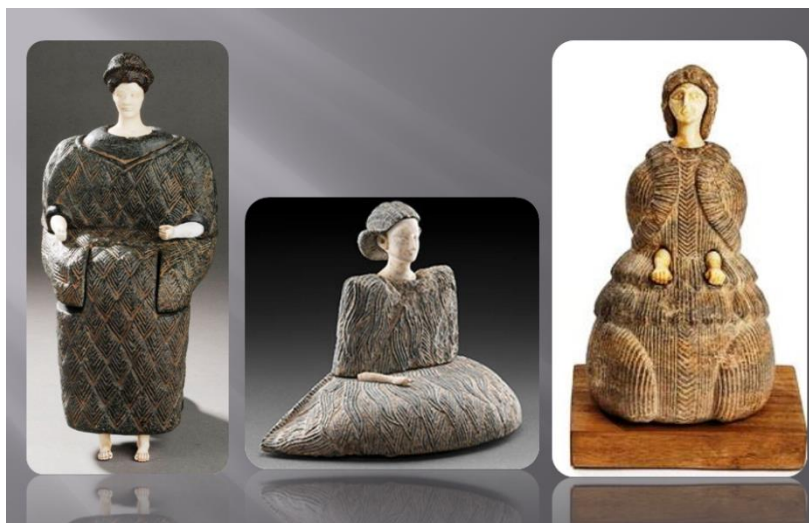
با آن که نمیدانیم آیا این مجسمه ظریف ساخت دست زنان است و یا مردان؟ اما این پیکره های مهم تاریخی حقیقتی را بیان میکنند که در حوالی ۲۵۰۰ تا سه هزار سال قبل از میلاد مسیح زنان در فرهنگ باختر قدیم نفوذ و اهمیت

۶ ترجمه رالف گریفت Ralf T. H. Griffith زبانشناس برتانیایی از سانسکریت به انگلیسی سال ۱۸۴۹ ترجمه دری: جناب عبدالرحمن پژواک سال ۱۳۲۲ خورشیدی شماره ۶ مجله آریانا چاپ کابل.

۷ تاریخ افغانستان اثر علامه احمد علی کهزاد، جلد اول، انجمن تاریخ ، سال ۱۳۲۵

زیادی داشته اند. از طرز لباس، آرایش مو و مرتب بودن سر و صورت این بانوان معلوم میشود که مردمان آندوره بلخ، مرغاب و مرو زندگی مرفه و متمدنی داشته و زنان دارای موقف اجتماعی قابل ملاحظه ای در آنوقت بوده اند.

به اساس تحقیق باستان شناسان از جمله **ویکتور سریانادی** محقق روسی، دامنه این مدنیت پیشرفته از بلخ تا به مرو امتداد داشت و شامل ساحه مرغاب در ولایت بادغیس و بخشهای هرات نیز میگردد. درین تمدن زنان نقش مهمی داشتند و فرهنگ و عنعنات آن تفاوت زیادی با تمدن فارس و بین النهرین داشت.



مجسمه های کوچک سنگی «زنان باختری» در موزیم لوور پاریس، که طرز لباس آرایش و اهمیت آنها را در حوزه تمدنی باختر تا مرغاب و مرو به نمایش میگذارد.^۸

با آنکه ایندوره مصادف به ترقی تمدن بین النهرین درعراق امروزی و ظهور مادها و پارسها در ایران کنونی میباشد. اما اگر نگاهی به مدنیت بین النهرین و سرزمین های همجوار آن بی اندازیم می بینیم که بیشتر مجسمه های شرق میانه مردان صاحب نفوذ و قدرتمند را نشان میدهند. این مجسمه های بزرگ با بدن های مانند شیر و گاو های بالدار به شکل مردانی با ریشهای دراز درحقیقت علامت قدرت نمایی مردان است و فرهنگ مردسالاری را در شرق میانه بازگو می نماید. ازینرو امکان دارد فرهنگ مرد سالاری از شرق میانه آغاز گردیده باشد.

پایان قسمت اول فصل اول

^۸ Viktor Sarianidi, Bactrian Princesses, Oxus Civilization ۱۹۷۶